

[الفاظ مطلق 1](#_Toc105612368)

[مقام اول: مفرد محلی به ال 1](#_Toc105612369)

[مختار استاد 1](#_Toc105612370)

[مقام دوم: جمع محلی به ال 2](#_Toc105612371)

[دلالت محلی به ال بر عموم از منظر ادباء 2](#_Toc105612372)

[اشکال مرحوم آخوند 2](#_Toc105612373)

[جواب از اشکال مرحوم آخوند 3](#_Toc105612374)

[مختار استاد: عدم دلالت جمع محلی به ال بر عموم وضعا 3](#_Toc105612375)

[1-رد دلالت ماده جمع بر عموم توسط استاد 3](#_Toc105612376)

[2-رد دلالت هیئت جمعی بر عموم توسط استاد 3](#_Toc105612377)

[3-رد دلالت ال به ضم هیئت جمعی برا عموم توسط استاد 5](#_Toc105612378)

[دلالت جمع محلی به ال وسیله قرائن خارجی 5](#_Toc105612379)

[رد ادعای مذکور توسط استاد 5](#_Toc105612380)

**موضوع**: محلی به ال /الفاظ عموم /مطلق و مقید

# الفاظ مطلق

## مقام اول: مفرد محلی به ال

### مختار استاد

بحث در مورد مفرد محلی به ال تمام شد. چیزی که ذهن ما مساعد می­کند این است: فرمایش مرحوم اخوند که فرمود ال همیشه برای تزیین است و معنایی را افاده نمی­دهد خلاف ارتکاز ما است. کما این که اگر بگوییم ال برای تعریف است و همیشه یک معنایی را به ذهن می­رساند این هم خلاف ارتکاز است. ارتکاز ما می­گوید برای تزیین هست ولی در بعضی از موارد ما معنایی را به مخاطب تفهیم می­کنیم. احساس ما این است که استخدام ال برای تفهیم این معنا است نه قرائن خارجیه که مرحوم آخوند ادعا داشت. یکی جنس بود و گفتیم نمی­شود انکار کرد که با ال جنس معنایی را افاده می­دهیم. انکار معهودیت ال هم صحیح نیست. حالا هر چند که به صورت مشترک لفظی باشد.

کلمه ای که می­خواهیم اضافه کنیم این است: استغراقیت را از قدیم الایام نتوانستیم بفهمیم که ال آن را افاده کند. این که ادبا تخیل کردند احیانا ال مفید استغراق است به خاطر این که استثنا بعدش آمده است، صحیح نیست. ان الانسان لفی خسر الا الذین امنوا، استثنا با اطلاق هم سازگاری دارد و لزومی ندارد که حتما عموم باشد. جماعتی را اکرام کن الا منافقین، که با اطلاق هم سازگاری دارد. این که ما از ال کشف کنیم استغراق افاده شده نتوانستیم بفهمیم. جنس و معهودیت لا باس بهما ولی ال استغراق را قبول نداریم. در جمع محلی به ال هم منکر هستیم چه برسد به مفرد محلی به ال.

ادعای ما این است:

1. ال یک مفهوم اضافی را اخطار می­کند.
2. منافاتی ندارد که تزیین کلام هم باشد.
3. ولی ال نمی­تواند استغراق را برساند.

## مقام دوم: جمع محلی به ال

### دلالت محلی به ال بر عموم از منظر ادباء

آیا جمع محلی به ال مفید عموم هست یا نه، ادبا گفته اند مفید عموم هست حالا عموم لازم نیست اصطلاحی باشد تا اشکال کنید اگر عموم است چرا در اطلاق آورده شده است؛ بلکه منظور شمول است و لو به صورت مطلق باشد. دلیل مطلب: ال برای تعیین و تعریف است و این که بگوید که مدخول معین است و چون که در باب جمع معینی نیست الا همه مصادیق؛ پس جمع محلی به ال دلالت بر همه مصادیق دارد. مثلا سه تا که تعین ندارد زیرا قابل انطباق بر کثیرین است. همه مصادیق است که تعین دارد.

#### اشکال مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرموده است: مضافا به این که ال تعیین را نمی­رساند و همه جا برای تزیین است، در جمع دو مرتبه متعین است. یک مرتبه اکثر و یک مرتبه اقل که سه یا دو است(دو یا سه بودن اختلافی است). وجهی ندارد که علما معنایش معلوم باشد حمل بر همه بشود زیرا سه تا هم معلوم است چون قطعا می­دانیم سه تا را اراده کرده است.

##### جواب از اشکال مرحوم آخوند

مقصود از تعین، تعین خارجی است. باز مرحوم آخوند در ذهنش، تعین ذهنی بوده است. گفته اند ال برای تعریف است منظور تعریف خارجی است و چیزی که در خارج در باب جمع متعین است همه مصادیق است بر خلاف سه تا. در خارج می­توان به همه اشاره کرد و متعین هستند اما سه تا تعین ندارد. لذا لازمه تعین استغراق است.

ما سابقا گفتیم که مرحوم صدر در بحث عام و خاص مفصل این بحث را دنبال کرده است که حق هم با ایشان است. بیشتر این بحث، به بحث عام و خاص مربوط می­شود ولی ما تابع مرحوم آخوند هستیم و در این جا بحث کردیم. ما باید ببینیم در جمع محلی به ال دالی بر عموم داریم یا نه؟

#### مختار استاد: عدم دلالت جمع محلی به ال بر عموم وضعا

##### 1-رد دلالت ماده جمع بر عموم توسط استاد

جمع محلی به ال را وقتی که تحلیل می­کنیم یک ماده دارد که هیئت جمعی بر آن عارض شده است. این ماده اسم جنس است مثلا من له العلم. این هم مهمل است و وجهی ندارد که عموم را برساند.

##### 2-رد دلالت هیئت جمعی بر عموم توسط استاد

یک هیئت جمعی هم دارد که باز هم وجهی ندارد که دلالت بر عموم کند. خود ادبا هم گفته اند هیئت جمع دو یا سه است اما هئیت جمعی مثل مومنون یعنی همه مومنان باشد درست نیست مومنون یعنی از سه تا بیشتر؛ نه همه. مردم جمع را برای فهماندن بیش از سه نفر به کار می­برند. البته کسی هم ادعا نکرده که هیئت دلالت بر عموم می­کند. باقی می­ماند ال. البته در ال دو احتمال وجود دارد: خود ال وقتی که بر جمع داخل می­شود استغراق را بفهماند یا این که ال یک معنایی دارد که لازمه آن عموم است.

اما این که خود ال مستقیما استغراق را بفهماند، محل مناقشه واقع شده است. گفته اند اگر ال در العلما وضع برای عموم شده باشد پس اگر در عهد استعمال شمود باید مجاز باشد لازمه وضع ال برای استغراق این است که در غیر استغراق مجاز باشد در حالی که خلاف ارتکاز است.

این مناقشه قابل جواب است. می­گویند ال وقتی که بر جمع داخل می­شود گاهی برای عهد و گاهی برای عموم است و همین گاهی هم کفایت می­کند. کسانی که ادعای مذکور را دارند در همه موارد که ادعا نمی­کنند.

مهم این است که هیچ دلیلی نداریم که از الِ العلما استغراق را می­فهمیم. وضع ناشی از تبادر و انسباق است. ما از اکرم العلما، استغراق را نمی­فهمیم هر چند که عموم را بفهمیم ولی این که ال استغراق را بفهماند دلیل ندارد بلکه خلاف ارتکاز ما است. لذا جمع محلی به ال مفید عموم باشد به برکت خود ال و مباشرتا حرف نادرستی است.

اگر گفته شود که لازمه معنای ال، عموم است که بیانش این است: ال حرف تعریف است و تعریف یعنی تعیین و در باب جمع چون فقط در همه افراد تعیین وجود دارد پس ال مفید عموم است. کسانی که مشخص هستند همه افراد هست پس ال به برکت این که مفید تعریف است دال بر عموم است.

مرحوم آخوند اشکال کرد به این که مرتبه اقل هم معین است. مرحوم نائینی فرمود این کلام درست نیست.

مرحوم صدر کلام مرحوم آخوند را توجیه کرده و فرموده اشکال مرحوم آخوند وارد است. بیان مطلب: شما می­گویید ال برای تعیین است. تعیین جنسی یک نوع تعیین است و هکذا تعیین عهدی و هکذا تعیین افرادی. اگر گفتید العلما خیر من عالم واحد. در این جا جنس جماعت علما از یکی بهتر است. در این جا هم تعیین است. کلام مرحوم آخوند را این گونه توجیه کرده است.

ظاهر کلام مرحوم آخوند اقل مرتبه است و اشکال مرحوم نائینی بر این ظاهر وارد است ولی مرحوم صدر کلام مرحوم آخوند را توجیه کرده است. خود ادبا گفته اند ال برای تعیین جنس هم هست. لذا می­شود مناقشه مرحوم آخوند را به این بیان مطرح کنیم که تعریف جنس هم یکی از مصادیق تعریف است لذا این که ال برای تعریف افرادی باشد تا بگویید یک مصداق بیشتر ندارد صحیح نیست.

ولی توجیه کلام مرحوم آخوند مضافا به این که خلاف ظاهر است چرا که مرحوم آخوند به تعین جنسی نرفته است، نکته دیگر این است که برای تعین جنسی از مفرد استفاده می­کنند و عرفیت ندارد که برای تعریف جنسی از جمع استفاده کرد.

نتیجه:اشکال مرحوم آخوند وارد نیست. بهتر این بود که بگوید دلیلی نداریم که ال برای تعیین و تعریف است و همان ادعای سابق را تکرار می­کرد. اگر ال برای تعیین باشد فرمایش مرحوم نائینی صحیح است. ما هم که دلالت جمع محلی به ال بر عموم انکار می­کنیم به همین بیان است: ما دلیلی نداریم که ال برای تعریف و معرفه است. ال معانی دیگری دارد ولی ال به این هدف نیست که از نکرده بودن خارج شود.

##### 3-رد دلالت ال به ضم هیئت جمعی برا عموم توسط استاد

اما اگر کسی ادعا کند ال به ضم هیئت جمعی برای عموم وضع شده است، در جواب می­گوییم وجهی ندارد. مرحوم آخوند در مقدمات کفایه فرمود برای مرکبات وضع جداگانه­ای نیست. نه این که ازجهت عقلی درست نباشد بلکه می­گوییم بعید است. لذا این دعوی هم وجهی ندارد.

#### دلالت جمع محلی به ال وسیله قرائن خارجی

بعضی گفته اند ما از قرائن و شواهد کشف کردیم که جمع محلی به ال مفید عموم است هر چند که ندانیم از کجا آمده است. شاهد آن استثنا است. اکرم العلما الا الفساق منهم. استثنا دلیل بر عموم مستثنی منه است پس کشف می­شود که جمع محلی به ال مفید عموم است.

##### رد ادعای مذکور توسط استاد

این که استثنا دلیل بر عموم مستثنی منه است صحیح است اما این عموم به دو صورت ممکن است یکی به وضع و دیگری به وسیله مقدمات حکمت. اکرم العلما هر چند عموم دارد اما از باب این که العلما وضع برای عموم شده یا این که ظهور اطلاقی در همه علما دارد به خاطر این که قرینه بر خلاف نیاورده است؟ شاهد آن این است که ممکن است اصلا ادات عموم نباشد ولی استنثا درست باشد مثل اکرم جماعة من العلما الا الفساق منهم. جماعت اطلاق دارد چه فاسق و چه عادل که بعد با استنثا فساق را خارج کرده است. ما شمول را تایید کردیم. شمول اعم از این است که به وسیله اطلاق باشد یا عموم.

این که جمع محلی به ال وضع برای عموم شده باشد، صحیح نیست. به قول مرحوم آخوند تخصیص که بر آن عارض می­شود مثل اکرم العلما العدول، از باب تعدد دال و مدلول است. العلما اگر که عدول را نیاورد مقدمات حکمت جاری می­شود و اگر عدول باشد دال دیگری می­اید و مقدمات حکمت جاری نمی­شود. اکرم العلما با اکرم العلما العدول تفاوتی ندارد و هر دو علما را در همه استعمال نکرده اید.

ما می­گوییم دلیل بر وضع تبادر است و از جمع محلی به ال هر چند شمول را می­فهمیم ولی از باب این که گفته العلما یا از باب این که علما را گفته و الا را نیاورده است؟ از نیاوردن قید عموم فهمیده بشود در این صورت اطلاق است و اگر از خود لفظ فهمیده شود در این صورت وضع صورت گرفته است. آیا همه علما را از باب این که خود لفظ العلما را آورده یا از باب این که الا را نیاورده است؟

منبه دیگر این است: اگر گفت اکرم کل العلما شما احساس تاکید می­کنید؟ یعنی العلما برای عموم وضع شده و کل هم عموم را می­فهماند آیا شما تاکید را می­فهمید؟ ما احساس تاکید نمی­کنیم. ما احساس نمی­کنیم که دو بار همه علما را گفته باشد. این فرق می­کند با اکرم کل عالم اجمعین. در این مثال احساس تاکید می­کنیم.

خلاصه: جمع محلی به ال مفید عموم نیست و وضع برای عموم نشده زیرا دلیل وضع تبادر است و از جمع محلی به ال عموم تبادر نمی­کند. نه مویدی را که آورده بودند و نه ادعای آنها، هیچ کدام صحیح نیست. بلکه منبه این که تبادر نمی­کند عدم تاکید در جایی که ادات عموم را اضافه به جمع محلی به ال می­کنند. اگر جمع محلی به ال شمول را افاده می­کند از باب نیاوردن قرینه بر خلاف است.

مضافا به اینکه تحلیل ها به این نتیجه رسید که وجهی ندارد که جمع محلی به ال وضع برای عموم شده باشد، تبادر که علامت وضع است در این جا منتفی است اگر نگوییم که خلافش ثابت است.